



مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری
سال سوم، شماره‌ی ۹، تابستان ۱۳۹۳
صفحات ۳۰-۱۱

تحلیل جایگاه گردشگری روستایی در برنامه‌های کلان توسعه‌ی کشور (با تأکید بر برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی ملی)

محمدرضا رضوانی*

ناصر بیات**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۰۴/۲۷

چکیده

در دهه‌های گذشته، گردشگری به یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در بسیاری از کشورهای جهان تبدیل شده است و دولت‌ها سیاست‌های مختلفی را به منظور توسعه گردشگری و زیربخش‌های آن در مقیاس‌های گوناگون، از سطوح محلی تا سطح ملی، به کار گرفته‌اند و در این باره همکاری‌های بین‌المللی نیز رو به گسترش است. گردشگری روستایی نیز یکی از انواع مهم و روبه‌رشد بخش گردشگری شناخته می‌شود که فعالیت‌های مختلفی را دربر می‌گیرد. در دهه‌های گذشته به‌ویژه از دهه‌ی ۱۹۹۰، به دلیل رکود بخش کشاورزی و مشکلات فراروی جوامع روستایی، همواره متخصصان و برنامه‌ریزان توسعه‌ی روستایی بر اهمیت توسعه‌ی گردشگری روستایی، به عنوان راهبردی برای کمک به فرایند کلی توسعه‌ی روستایی تأکید کرده‌اند. مقاله حاضر با استفاده از شیوه اسنادی و تحلیل متون توسعه، جایگاه گردشگری روستایی در برنامه‌های کلان توسعه‌ی کشور با تأکید ویژه بر برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تا برنامه‌ی چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۸) گردشگری روستایی جایگاه مشخص و قانونی در برنامه‌ی توسعه‌ی کشور نداشته است، در این برنامه به‌طور هر چند گذرا توسعه‌ی گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از فعالیت‌های دارای مزیت نسبی در نواحی روستایی معرفی شده است. در برنامه‌ی پنجم (۱۳۹۴-۱۳۹۰)، برای نخستین بار حمایت از گردشگری روستایی در چارچوب اختیارات سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری مطرح گردید. اما در این برنامه نیز جایگاه گردشگری روستایی در چارچوب فرایند کلی توسعه‌ی یکپارچه‌ی روستایی به روشنی مشخص نشده است و به‌عنوان پدیده‌ای که می‌تواند، با توجه به ویژگی‌های متنوع سکونتگاه‌های روستایی کشور به صورت اشکال و الگوهای متعدد توسعه یابد به متنوع سازی فعالیت‌ها و توسعه‌ی اقتصادی روستاها کمک کند، مورد توجه قرار نگرفته است.

* نویسنده مسئول: استاد جغرافیا و عضو قطب برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران (trezvani@ut.ac.ir)

** دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

واژگان کلیدی: گردشگری روستایی، توسعه‌ی ملی، برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور، توسعه‌ی روستایی

مقدمه

در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم، گردشگری رشد فزاینده‌ای را پشت سر گذاشته و در مقایسه با دیگر بخش‌های اقتصادی رشد سریعی در قلمرو اقتصاد جهانی به دست آورده است (هارا^۱، ۲۰۰۸: ۲۳۵). گردشگری مدرن همگام با گسترش یافتن در زمینه‌های گوناگون با افزایش مقصدهای تازه و روبه‌رشد مواجه بوده و این گونه پویایی، گردشگری را به یک عامل کلیدی برای پیشرفت اجتماعی- اقتصادی تبدیل ساخته است؛ به طوری که امروزه حجم درآمدهای ناشی از کسب و کار گردشگری در حال پشت سر گذاشتن درآمدهای نفتی، صادرات مواد غذایی و صنایع اتومبیل‌سازی است (هارمز^۲، ۲۰۰۷: ۱۱۱). بر این پایه، در روزگار کنونی گردشگری یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی در بسیاری از کشورها به‌شمار می‌آید و گردشگری روستایی یکی از مهم‌ترین زیربخش‌های آن شناخته می‌شود. در زمینه برنامه‌ریزی کلان ملی به منظور توسعه‌ی گردشگری در بخش‌های مختلف، از جمله گردشگری روستایی، آگاهی و بهره‌گیری از دستاوردهای موفق دیگر جوامع می‌تواند موثر واقع گردد. طی چند دهه رشد و توسعه‌ی گردشگری روستایی- به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته‌ی جهان- کشورهای مختلف با توجه به شرایط و ویژگی‌های حاکم در آن‌ها به سیاست‌گذاری در این زمینه روی آورده‌اند. اهداف سیاست‌گذاری‌های توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی، به‌طور خلاصه پیرامون تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصاد روستایی، پاسخگویی به تقاضای روزافزون گردشگری در نواحی روستایی، ایجاد تعادل در توسعه‌ی ناحیه‌ای و منطقه‌ای، و بسط منافع توسعه در فضای ملی است (شارپلی^۳، ۲۰۰۷: ۱۲۷).

در ایران موضوع گردشگری روستایی به‌عنوان یکی از زیرشاخه‌های بخش گردشگری از اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی در شاخه‌های مختلف علمی از جمله جغرافیا، علوم اجتماعی و توسعه‌ی روستایی مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است. در این زمینه می‌توان به پژوهش‌های افرادی چون: افتخاری و قادری (۱۳۸۱)، رضوانی (۱۳۸۲)، رضوانی و صفایی (۱۳۸۴)، سنایی (۱۳۸۶)، علیقلی‌زاده فیروزجایی (۱۳۸۶)، مهدوی‌حاجیلویی و همکاران (۱۳۸۷)، مافی و سقایی (۱۳۸۷)، آمار و برنجکار (۱۳۸۸)، افتخاری و همکاران (۱۳۸۹)، طالب و همکاران (۱۳۸۹)، راسق (۱۳۸۹)، کریم‌زاده (۱۳۸۹)، پاپزن و همکاران (۱۳۸۹)، غنیان و همکاران (۱۳۹۰)، جمعه‌پور و احمدی (۱۳۹۰)، فرجی‌سبکبار و همکاران (۱۳۹۱)، بیات و

¹ Hara

² Harms

³ Sharpley

همکاران (۱۳۹۲) اشاره کرد؛ اما با وجود روند روبه‌رشد پژوهش‌های گردشگری روستایی و تأکید اندیشمندان و صاحب‌نظران در این باره، به نظر می‌رسد هنوز این موضوع از جایگاه واقعی و قانونی مناسبی در فرایند برنامه‌ریزی‌های توسعه‌ی کشور برخوردار نیست؛ و به‌عنوان راهبردی مناسب در چارچوب رویکرد اقتصادی برای کمک به توسعه‌ی نواحی روستایی مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین به نظر می‌رسد اقدامات پراکنده‌ی سازمان میراث فرهنگی در سال‌های اخیر در زمینه‌ی شناسایی روستاهای هدف گردشگری، به‌منظور انجام اقدامات توسعه‌ای در زمینه‌ی گردشگری روستایی، در چارچوب توسعه‌ی هماهنگ و یکپارچه‌ی نواحی روستایی کشور صورت نمی‌پذیرد. «روستای هدف گردشگری به محدوده جغرافیایی گفته می‌شود که در این محدوده یک یا چند و یا مجموعه‌ای از جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی وجود دارد که وجود آن‌ها سبب ایجاد انگیزه برای سفر و اقامت گردشگران خواهد بود» (مراذاده، ۱۳۹۲: ۱۵). با این همه قابل توجه است که دستیابی به توسعه‌ی پایدار روستایی نیازمند یک دیدگاه کل‌نگر است که هم‌اکنون عناصر طبیعی، اجتماعی - فرهنگی و اقتصاد روستایی را به سوی یک هدف اصلی با یکدیگر هماهنگ و یکپارچه می‌کند، و بنابراین گردشگری می‌تواند تنها یکی از این عناصر به شمار آید و به تنهایی نمی‌تواند همه‌ی اهداف توسعه‌ی پایدار روستایی را برآورده سازد (هارنر و اسواربروک^۱، ۲۰۱۲: ۳۷۴). غلبه بر این مسأله که به گونه‌ای فاصله میان نهادهای علمی و دانشگاهی با بخش قانون گذاری و اجرایی کشور را نیز نشان می‌دهد، می‌تواند بستر مناسب برای توسعه‌ی اشکال گوناگون گردشگری در نواحی روستایی را فراهم سازد سرانجام با توجه به چندین دهه تجربه موفق جهانی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری از جمله در نواحی روستایی، و رشد روزافزون اهمیت این موضوع در ایران، این پژوهش بررسی جایگاه برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری در برنامه‌های کلان توسعه‌ی ملی، با تأکید ویژه بر برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور را در کانون توجه قرار می‌دهد؛ بنابراین، پرسش‌های اساسی این است که گردشگری روستایی به‌عنوان رهیافتی نو که برآمده از تحولات گسترده جهانی است، چه جایگاهی در برنامه‌های کلان توسعه‌ی ملی ایران به‌ویژه برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه دارد؟ نقطه آغازین طرح گردشگری روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی ملی کجاست؟ در کدام برنامه‌ها توجه بیشتری به موضوع گردشگری روستایی شده است؟ آیا سیاست توسعه‌ی گردشگری روستایی در چارچوب فرایند کلی برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی مورد توجه قرار گرفته است؟

¹ Horner and Swarbrooke

مبانی نظری

در مقیاس جهانی گردشگری روستایی یکی از اشکال روبه‌رشد بخش گردشگری به شمار می‌آید که ارایه تعریفی جهان شمول و یکسان از آن امکان‌پذیر نیست؛ این مساله تا حدود زیادی به دلیل ویژگی‌های گوناگون نواحی روستایی در کشورهای مختلف است، غلبه الگوهای خاصی از گردشگری در نواحی مختلف و تعاریف گوناگون از روستا و روستا نشینی است (گارتنر^۱، ۲۰۰۶: ۱۶۸). به‌طور مثال در کشورهای عضو اتحادیه اروپا^۲ ارایه تعاریف مختلف از گردشگری روستایی با گوناگونی جاذبه‌ها، توانمندی‌ها، تنوع فعالیت‌های تفریحی و مهم‌تر از همه تعاریف مختلف از روستا و زندگی روستایی^۳ پیوند می‌خورد (رابرتس و هال^۴، ۲۰۰۱: ۵). به منظور غلبه بر برداشت‌های گوناگون از تعریف گردشگری روستایی لین^۵ (۱۹۹۴) تعریفی کلی ارایه می‌دهد و به‌طور ساده می‌گوید: گردشگری روستایی نوعی از گردشگری است که در حومه رخ می‌دهد (لین، ۱۹۹۴: ۸-۷). در همین راستا سازمان بین‌المللی همکاری اقتصادی و توسعه^۶ (۱۹۹۴: ۱۵)، گردشگری روستایی را فعالیتی چندوجهی و پیچیده تعریف می‌کند که مواردی چون: گذران تعطیلات در مزرعه، طبیعت گردی، پیاده‌روی و کوهنوردی، سوارکاری، ماجراجویی، بهداشت و سلامت، شکار و ماهیگیری، سفرهای آموزشی و پژوهشی، فرهنگ و هنر، میراث تاریخی و در پاره‌ای از نواحی گردشگری بازدید از جوامع قومی و نژادی را در بر می‌گیرد. لین در سال ۲۰۰۹ در یک بازنگری کلی می‌گوید پیش زمینه‌های بسط گردشگری روستایی نشان از مفهومی پیچیده و چند وجهی دارد. این مفهوم در آغاز بیشتر در ارتباط با گردشگری مزرعه و گردشگری کشاورزی به کار می‌رفت اما بعدها اشکال متنوعی از گردشگری روستایی ظهور یافت؛ به‌طوری که می‌توان گفت گردشگری روستایی به مانند چتری است که الگوهای گوناگونی از گردشگری در نواحی روستایی را در بر می‌گیرد، مانند: «اکوتوریسم؛ گردشگری مبتنی بر طبیعت؛ گردشگری مزرعه؛ گردشگری کشاورزی؛ گردشگری ماجراجویی؛ گردشگری ورزشی؛ گردشگری سوارکاری/اسب‌سواری؛ گردشگری فرهنگی و میراث تاریخی؛ گردشگری غذاخوری»^۷ (لین، ۲۰۰۹: ۳۵۹-۳۵۶). لازم به ذکر است که گردشگری خانه‌های دوم^۸ و گردشگری جشنواره‌ها (فستیوال توریسم)^۹ نیز از جمله اشکال مهم و شناخته شده در بخش گردشگری در

¹ Gartner

² European Union

³ Rurality

⁴ Roberts and Hal

⁵ Lane

⁶ Organization for Economic Cooperation and Development

⁷ Ecotourism; Nature-based tourism; Farm tourism; Agro-tourism/Agritourism; Adventure tourism; Sport tourism; Horse riding/ Equestrian Tourism; Heritage tourism; Food tourism.

⁸ Second home tourism

⁹ Festival Tourism

در نواحی روستایی به‌شمار می‌آیند (کاستر^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۱۴۸؛ تیموتی^۲، ۲۰۰۵: ۵۲-۴۶)، که لین در اینجا اشاره‌ای به آن‌ها نمی‌کند.

سرانجام، از آنجایی که همه‌ی اشکال گردشگری که نواحی روستایی رخ می‌دهند را الزاماً نمی‌توان در زیر مجموعه‌ی گردشگری روستایی دسته‌بندی کرد (بیتون^۳، ۲۰۰۶: ۱۴۲)، تعریف تعریف کلی گردشگری روستایی مبنی بر شکلی از گردشگری که در حومه رخ می‌دهد نیز با مشکل روبه‌رو می‌شود و می‌بایست توجه داشت که اشکال گوناگون گردشگری از قبیل موارد ذکر شده در بالا زمانی در چارچوب گردشگری روستایی تعریف می‌شوند که از نظر ویژگی‌های مکانی و مقیاس‌های گوناگون در قلمرو نواحی روستایی جای‌گیرند، با مردم روستایی یا جوامع محلی در ارتباط باشند، ویژگی‌های پیچیده و گوناگون نواحی روستایی از قبیل ویژگی‌های محیط طبیعی، تاریخ، فرهنگ، اجتماع، اقتصاد و موقعیت مکانی دلالت داشته باشند و مهم‌تر از همه اینکه در اقتصاد و معیشت جامعه‌ی محلی نقش داشته باشند (هال و پیج^۴، ۲۰۰۶: ۲۸۵-۲۴۵). از نظر توسعه‌ای، گردشگری روستایی از ویژگی‌های بسیار متنوعی در کشورهای گوناگون برخوردار است، و با توجه به اهمیتی که در توسعه‌ی اقتصادی و متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی در نواحی روستایی دارد در سطوح محلی، منطقه‌ای و ملی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است (کانویز^۵، ۲۰۰۴: ۷۵۶). از دیدگاه استفن ویلیامز^۶ (۲۰۰۹) متنوع‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و فضاهای جغرافیایی پایه اصلی توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی است. به‌طور کلی در مقیاس جهانی دو رویکرد متفاوت برای دو دسته عمده از نواحی در برنامه‌ریزی گردشگری روستایی مطرح است. نخست، کشورهایی که نواحی روستایی آن‌ها با حجم بالایی از گردشگر مواجه است؛ برای مثال پارک‌های ملی^۷ در ایالات متحده‌ی آمریکا سالانه بیش از ۲۵۰ میلیون نفر گردشگر دریافت می‌کنند. تأکید اصلی در این گونه نواحی برنامه‌ریزی برای مدیریت بازدیدکننده^۸ است. دیگری، توسعه‌ی گردشگری روستایی به‌عنوان مکانیزمی برای تجدید حیات اقتصادی نواحی روستایی روبه رکود و یا محرکی برای توسعه‌ی نواحی روستایی فقیر از نظر اقتصادی (پیج و کانل^۹، ۲۰۰۶: ۴۲۵) در ارتباط با تجربه‌های برنامه‌ریزی گردشگری روستایی، اتحادیه اروپا برنامه‌ی لیدر را برای پشتیبانی از توسعه‌ی روستایی و غلبه بر مشکلات پیش‌روی کشاورزی در کشورهای عضو اجرا می‌کند. لیدر در

¹ Koster

² Timothy

³ Beeton

⁴ Hall and Page

⁵ Cánoves

⁶ Stephan Williams

⁷ National Parks

⁸ Visitor management

⁹ Page and Connell

چارچوب برنامه‌های ۵-۶ ساله از سال ۱۹۹۱ آغاز گردید و هم اکنون چهارمین برنامه‌ی آن (۲۰۱۳-۲۰۰۷) در حال سپری است. مشارکت فعال مردم محلی در فرایند توسعه‌ی روستایی و متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در روستاها از اهداف پایه و اساسی این برنامه است (اتحادیه اروپا، ۲۰۰۶)؛ در فرانسه به‌عنوان یکی از پیشگامان توسعه‌ی گردشگری روستایی مدرن در جهان، دولت از گردشگری به مثابه ابزاری برای توسعه‌ی روستایی استفاده می‌کند (هارنر و اسواربروک، ۲۰۱۲: ۳۷۴). در این زمینه تبدیل خانه‌های قدیمی موجود در مزارع کشاورزی به مراکز اقامتی و پذیرایی گردشگری از دهه‌ی ۱۹۵۰ با حمایت‌های مالی وزارت کشاورزی از کشاورزان آغاز شد. یک سیستم مرکزی با پشتیبانی بخش عمومی از شبکه مراکز گردشگری روستایی حمایت می‌کند. در سال ۱۹۹۹ حدود ۳۶ درصد از مزارع روستایی در فرانسه دارای امکانات اقامتی و پذیرایی از گردشگران بوده‌اند (کانویس و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۵۸). به‌طور سنتی در انگلستان گردشگری روستایی با بازدید از روستاهای دارای چشم‌انداز زیبا، و فعالیت‌هایی چون اسب سواری، راهپیمایی، دوچرخه‌سواری و اقامت در اقامتگاه‌های موجود در مزارع به منظور تفریح و گردش پیوند می‌خورد (هارنر و اسواربروک، ۲۰۱۲: ۳۵۱). بر اساس یک تحقیق در سال ۱۹۹۹ حدود ۴۵ درصد از مزارع روستایی در انگلستان دارای اقامتگاه‌های گردشگری هستند و از گردشگران پذیرایی می‌کنند (کانویس و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۵۸)؛ کشور اتریش نیز از جمله کشورهایی است به توسعه‌ی گردشگری روستایی در چارچوب سیاست‌های منطقه‌ای توجه دارد. به‌طوری که سازمان‌های بزرگ منطقه‌ای مسئولیت بستر سازی و توسعه‌ی زیر ساخت‌های لازم، کمک به بازاریابی و ارائه خدمات مشاوره‌ای به کسب و کارهای کوچک گردشگری در نواحی روستایی را بر عهده دارند. الگوی اصلی در گردشگری روستایی اتریش گردشگری مزرعه‌ای است. به‌طور مثال، از سال ۱۹۸۹ تا سال ۲۰۰۳ نزدیک به ۳۴۰۰ مزرعه‌ی توریستی به عضویت سازمان تعطیلات مزرعه‌ای اتریش (AFHO^۱) درآمدند (نیلندر و هال^۲، ۲۰۰۵: ۳۲). در کشور آلمان شکل غالب گردشگری روستایی گردشگری مزرعه است که بیش از ۱۵۰ سال سابقه دارد (اوپرمان^۳، ۱۹۹۶: ۸۶) بعد از جنگ جهانی دوم این شکل از گردشگری با رشد فزاینده روبه‌رو گردید و در دهه‌های ۱۹۷۰ به شکل انبوه نمایان گردید. اهمیت این بخش از گردشگری در توسعه‌ی اقتصادی نواحی روستایی طی دهه‌ی ۱۹۹۰ در سطح ملی مورد توجه مسئولان دولتی قرار گرفت (سیدالی^۴، ۲۰۱۱: ۲۷). در اسپانیا گردشگری مزرعه/کشاورزی /کشاورزی و اقامت در مزارع روستایی از مهم‌ترین الگوهای گردشگری در نواحی روستایی به-شمار می‌آید. دولت مرکزی در اسپانیا اختیار سیاست‌گذاری و اعمال قوانین در زمینه‌ی

¹ Europe Union

² Austrian Farm Holidays Organization

³ Nylander and Hall

⁴ Oppermann

⁵ Sidali

توسعه‌ی گردشگری روستایی را به کمیسیون‌های مستقل در مناطق کشور واگذار کرده است. این وضعیت سبب شکل‌گیری سیاست‌ها و قوانین متنوع و متفاوت در مناطق گوناگون این کشور شده است (کانویس و همکاران، ۲۰۰۴: ۷۶۷-۷۵۶). فنلاند از کشورهایی به‌شمار می‌آید که از سیاست روشنی در زمینه‌ی برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری روستایی در سطح ملی و منطقه‌ای برخوردار است. گردشگری روستایی از سال ۱۹۹۵ به‌عنوان یکی از سیاست‌های توسعه‌ی روستایی فنلاند توسط کمیته سیاست روستایی^۱ این کشور مطرح گردید؛ برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری روستایی در کشور فنلاند، یک تقسیم‌بندی سه‌گانه از نواحی روستایی به‌دست می‌دهد، شامل: ۱- روستاهای دورافتاده و کم‌جمعیت؛ ۲- نواحی روستایی هسته‌ای؛ ۳- روستاهای پیرامون شهری. همچنین، مهم‌ترین سیاست‌های بخش گردشگری روستایی در فنلاند جذب گردشگر خارجی از دیگر کشورهای اروپایی و به‌ویژه کشورهای همسایه چون روسیه، آلمان و سوئد است (رابرتز^۲ و هال، ۲۰۰۱: ۷۷). در ایالات متحده‌ی آمریکا ایجاد پارک‌های ملی در زمین‌های ملی واقع در نواحی روستایی طی دوره‌ی ریاست جمهوری تئودور روزولت^۳ میان سال‌های ۱۹۰۱ تا ۱۹۰۹ از نخستین گام‌ها در زمینه‌ی ایجاد زمینه‌های گردشگری در نواحی روستایی به‌شمار می‌آید. اما در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بود که گردشگری روستایی مورد توجه‌عمومی قرار گرفت و با رشد انبوه مواجه شد. توسعه‌ی زیرساخت‌های جاده‌ای شامل بزرگراه‌ها و راه‌های درجه دوم و روستایی، افزایش سرانه استفاده از اتومبیل شخصی، افزایش درآمد و اوقات فراغت، بهبود خدمات گردشگری در نواحی روستایی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز و محرک توسعه‌ی گردشگری روستایی در آمریکا طی این دوره محسوب می‌شود. در آمریکا به علت گستردگی قلمرو جغرافیایی و فاصله زیاد میان سکونتگاه‌ها نیاز به شبکه دسترسی آسان از طریق بزرگراه‌ها و جاده‌های مناسب در کنار استفاده از اتومبیل شخصی از ضرورت‌های توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی به‌شمار می‌آید. از دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بود که کارشناسان در آمریکا اهمیت گردشگری به‌عنوان ابزاری اقتصادی برای کمک به توسعه‌ی نواحی روستایی را مورد تأکید قرار دادند. تا این که سرانجام از اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ کنگره‌ی آمریکا قوانینی را برای حمایت از گردشگری روستایی تصویب کرد و از آن پس توسعه‌ی این بخش مورد توجه‌جدی بخش دولتی قرار گرفت (گارتنر، ۲۰۰۴: ۱۵۶-۱۵۲). استرالیا نیز از برجسته‌ترین کشورهای است که در عمل دارای سیاست و استراتژی روشن در زمینه‌ی گردشگری روستایی است و پیشرفت‌های قابل‌توجهی در ارتباط با برنامه‌ریزی در این زمینه به‌دست آورده است. بر اساس استراتژی گردشگری روستایی ملی استرالیا^۴

^۱ Rural Policy Committee

^۲ Roberts

^۳ Theodore Roosevelt

^۴ National Rural Tourism Strategy

گردشگری روستایی فعالیتی چندوجهی است که خارج از محدوده نواحی شهری رخ می‌دهد (بروک^۱، ۲۰۰۲:۴۳۹). در میان کشورهای در حال توسعه، چین یکی از نمونه‌های بارز در زمینه‌ی توسعه‌ی گردشگری روستایی است. از دهه‌ی ۱۹۹۰ گردشگری روستایی مورد توجه دولت چین قرار گرفت تا اینکه سال ۱۹۹۸ از سوی «اداره گردشگری ملی چین (CNTA)^۲» به‌عنوان «سال گردشگری روستایی چین» نامگذاری شد و در پی آن سال ۱۹۹۹ نیز سال اکوتوریسم چین نام گرفت. در همین راستا CNTA برنامه‌های گسترده‌ای را برای توسعه‌ی گردشگری روستایی آغاز کرد. یکی از اهداف اساسی این سیاست‌ها غلبه بر مشکلات اقتصادی بخش کشاورزی است (سو^۳، ۲۰۱۱: ۱۴۳۸).

بر اساس دیدگاه‌ها رنر و اسواربروک (۲۰۱۲)، در بسیاری از کشورهای جهان گردشگری به‌عنوان نوش دارویی برای درمان بیماری فقر روستایی نگریسته می‌شود و این واقعیت که گردشگری به سادگی تنها بخشی از نظام روستایی است که می‌بایست هماهنگ با دیگر بخش‌ها- کشاورزی، صنایع روستایی، بخش مسکن و کالبدی و غیره عمل کند، نادیده گرفته می‌شود. با این وجود، آن‌ها معتقدند که در چارچوب توسعه‌ی روستایی، گردشگری دارای مزیت‌های قابل توجهی است، به‌ویژه این‌که:

- به‌طور نسبی می‌تواند به سرعت توسعه یابد؛
 - هزینه‌های سرمایه‌گذاری در کسب و کارهای مربوط به گردشگری روستایی از صنایع دیگر کمتر است (گردشگری ذیل صنایع خدماتی^۴ دسته‌بندی می‌شود)؛
 - میزان آلودگی‌های محیط زیستی گردشگری از بسیاری از صنایع دیگر کمتر است؛
 - اگر گردشگری به درستی توسعه و گسترش یابد منافع حاصل از آن می‌تواند طیف گسترده‌ای از جامعه‌ی محلی را دربرگیرد؛
 - گردشگری می‌تواند توان زیست‌پذیری یا بقاء مزارع (بخش کشاورزی) را بهبود بخشد؛
 - گردشگری روستایی می‌تواند برای آن دسته از گروه‌های اجتماعی که جویای کار هستند شغل فراهم کند، به‌ویژه زنان و جوانان.
- از دیگر سو نمی‌توان از پیامدهای منفی گردشگری نیز چشم‌پوشی کرد. زیرا در صورتی که گردشگری به طور ضعیف برنامه‌ریزی و مدیریت شود، می‌تواند مشکلاتی را برای نواحی روستایی پدید آورد، مانند: تغییر غیر اصولی کاربری اراضی، ایجاد شلوغی و ترافیک و تغییرات سریع اجتماعی که سازگار کردن آن با فرهنگ‌های محلی، که بیشتر دارای ویژگی محافظه‌کارانه هستند، کار دشواری است (هارنر و اسواربروک، ۲۰۱۲: ۳۷۴).

¹ Bruce

² China National Tourism Administration

³ Su

⁴ Service industry

روش شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی- تحلیلی و مبتنی بر مطالعه‌ی کتابخانه‌ای و اسنادی است. در بخش نخست چگونگی و اهمیت توسعه‌ی گردشگری، چارچوب نظری و موضوع‌های بنیادین در توسعه‌ی گردشگری و به‌طور ویژه گردشگری روستایی از طریق مطالعه‌ی منابع متنوع و مرتبط مورد بررسی قرار گرفت. سپس متن برنامه‌های توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران به ترتیب و جداگانه مورد بررسی قرار گرفت، و داده‌های مرتبط با موضوع پژوهش از محتوای برنامه‌ها استخراج گردید و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت؛ به‌طوری که یافته‌های به‌دست آمده از بررسی متن هر کدام از برنامه‌ها در ذیل عنوان برنامه‌ی مربوطه بررسی شد. در این فرایند توالی برنامه‌ها و روند تحولات گردشگری و گردشگری روستایی، اساس روش مطالعاتی قرار گرفت و در پایان بر اساس یافته‌های اسنادی نتیجه‌گیری لازم به‌عمل آمد.

تحلیل جایگاه گردشگری روستایی در برنامه‌های کلان توسعه‌ی کشور

به‌عنوان پیش‌زمینه‌ی یافته‌های تحقیق یادآور می‌شویم که تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران شش برنامه تهیه و تنظیم شد که پنج برنامه اجرا گردید و برنامه‌ی ششم به دلیل تقارن با انقلاب ۱۳۵۷ اجرا نگردید. نخستین برنامه که در سال ۱۳۲۷ (هفت‌ساله) آغاز شد، با فکر و نگرش برنامه‌ریزی در کشور از طریق ایجاد سازمان برنامه و بودجه با سازوکار ایجاد نظم در امور اقتصادی مطرح گردید. برنامه‌ی دوم با همان روش تهیه شد، اما به‌عنوان شالوده‌ریز توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی کشور شهرت یافت. گفتنی است برنامه‌ی اول و دوم شامل تعدادی طرح و پروژه بود که با اعتبارات دولتی و توسط دولت به اجرا درآمده بود و مردم مشارکت و مداخله‌ای در این زمینه‌ها نداشتند. برنامه‌ی سوم، نخستین برنامه‌ی نظام‌یافته بود که همه‌ی بخش‌ها را دربر می‌گرفت و مشارکت بخش دولتی و خصوصی در آن دیده می‌شد. در این برنامه نظام برنامه‌ریزی تکامل یافت و به برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ایجاد سازمان عمران توجه خاصی مبذول گردید (قدیری معصوم و نجفی کانی، ۱۳۸۲: ۱۲۱-۱۱۱). در برنامه‌ی چهارم نیز نظام برنامه‌ریزی جامعیت بیشتری یافته و مشارکت دولت و بخش خصوصی در آن دیده شد و سهم سرمایه‌گذاری بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی پیشی گرفت و توسعه‌ی قطب‌های صنعتی در کانون توجه بود. نظام برنامه‌ریزی در برنامه‌ی پنجم نسبت به برنامه‌های گذشته تکامل یافته‌تر شد. دفاتر برنامه و بودجه در استان‌ها ایجاد گردید. انجمن‌های استان و شهرستان پدید آمدند و فعال شدند و طرح آمایش سرزمین به‌عنوان فکری نو در نظام برنامه‌ریزی کشور مورد توجه قرار گرفت (مهاجرانی، ۱۳۷۷: ۹۹-۹۱).

از آنچه در ارتباط با برنامه‌های پیش از انقلاب در ارتباط با توسعه‌ی گردشگری مطرح است، تنها می‌توان به برنامه‌ی چهارم اشاره کرد. در این برنامه قطب‌های توسعه‌ی جهانگردی در کنار

سایر قطب‌های اقتصادی مطرح گردید؛ اما در اینجا نیز گردشگری روستایی به‌عنوان بخشی جداگانه مطرح نشده است.

برنامه‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۷۲)

پس از پایان جنگ ۸ ساله با عراق سیاست‌های اقتصادی ایران به‌سرعت دگرگون شد. منابع بسیاری که با پایان یافتن جنگ آزاد شد، امکان بازسازی تأسیسات نفتی، افزایش صادرات و رونق دوباره‌ی اقتصاد کشور را فراهم کرد. در این شرایط، برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سال ۱۳۶۸ آغاز شد.

در این برنامه توسعه‌ی گردشگری زیر عنوان یکی از خط‌مشی‌ها مطرح گردید. به‌طوری‌که در بند ۱۵-۳ تحت عنوان «تقویت و توسعه‌ی ایرانگردی و جهانگردی در جهت تبادل تجربه و دانش و شناساندن میراث تمدن و فرهنگ اسلامی و ایران و کمک به ارتقای سطح تفاهم و وحدت ملی و اسلامی با حمایت، تشویق و سازماندهی مشارکت‌های عمومی و جذب و هدایت سرمایه‌های غیردولتی در این زمینه» در نظر گرفته شد و ۴۵۳ میلیارد ریال اعتبار به این بخش اختصاص یافت. پیش‌بینی شده بود ۱۹/۵ میلیارد ریال این مبلغ از بخش اعتبارات دولتی و ۴۳۳/۵ میلیارد ریال از بخش اعتبارات غیردولتی تأمین گردد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۶۸). این در حالی بود که در این برنامه جایگاه مشخصی برای زیربخش‌های مختلف توسعه‌ی گردشگری و از جمله گردشگری روستایی در نظر گرفته نشده بود (ببینید: قانون برنامه‌ی اول توسعه، خط‌مشی‌ها، بند ۱۵-۳).

برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۴-۷۸)

برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم در ادامه‌ی برنامه‌ی اول و با هدف اصلی توسعه‌ی اقتصادی با نرخ ۵/۱ درصد در سال، در آذرماه ۱۳۷۳ تصویب شد (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۳) بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده نرخ رشد سالانه‌ی بخش‌های مختلف به ترتیب: کشاورزی (۴۳درصد)، نفت (۱/۶درصد)، صنعت (۵/۹درصد)، حمل و نقل (۴/۷درصد)، ارتباطات (۶/۸درصد) و کل خدمات معادل (۳/۱درصد) در نظر گرفته شده بود.

بر خلاف برنامه‌ی اول در برنامه‌ی دوم جایگاه مشخص و قانونی برای بخش گردشگری در نظر گرفته نشد. از موضوعات مربوط به گردشگری تنها در تبصره‌ی ۵۸ آن هم به‌عنوان بخشی از برنامه‌های توسعه‌ی آموزشی، تأسیس رشته‌ی دانشگاهی ایرانگردی و جهانگردی در کنار رشته‌های علمی دیگر مورد توجه قرار گرفت. و توسعه‌ی خدمات گردشگری (که تا آن زمان تحت عنوان برنامه‌های ایرانگردی و جهانگردی یاد می‌شد) به فراموشی سپرده شد. بنابراین،

هیچکدام از بخش‌های گردشگری در موضوعات این برنامه گنجانده نشده بود (ببینید: قانون برنامه‌ی دوم توسعه، تبصره‌ی ۵۸).

برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۳-۱۳۷۹)

یکی از مهم‌ترین جهت‌گیری‌های برنامه‌ی سوم، اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی برای افزایش کارایی دولت، بالابردن بهره‌وری منابع مالی و تقویت بخش غیردولتی بود. در این زمینه چهار موضوع نظام اداری، شرکت‌های دولتی، انحصارات و تمرکزگرایی در برنامه‌ی سوم مورد توجه قرار گرفت. در این برنامه نیز همچون برنامه‌ی دوم جایگاه مشخصی برای بخش گردشگری در نظر گرفته نشد. تنها مواردی که از گردشگری سخن به میان آمده در ماده‌ی ۱۶۴ و یکی از بندهای ماده‌ی ۱۶۶ به طور جزئی است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۸) به طوری که در ماده‌ی ۱۶۴ آمده است:

«در طی سال‌های اجرای برنامه‌ی سوم، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مقرراتی را معمول خواهد داشت که بانک‌های کشور بتوانند در مبادی ورودی هوایی، دریایی، زمینی، هتل‌ها و دفاتر خدمات جهانگردی نسبت به خرید ارز گردشگرانی که به ایران آمده اقدام کنند. شعب نظام بانکی همچنین می‌توانند به این گردشگران که قصد خروج از کشور دارند، به شرط آرایه مدارک لازم ارزهای معتبر بفروشند». به نظر می‌رسد این نخستین باری است که در سیر تاریخی برنامه‌های توسعه‌ی قبل و بعد از انقلاب از واژه‌ی گردشگری سخنی به میان می‌آید. اما در این مورد هم توجه خاصی به برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری و زیربخش‌های آن از جمله گردشگری روستایی نشد.

بند (د) ماده‌ی ۱۶۶ نیز به طرح توسعه‌ی گردشگری منطقه جماران و تبدیل آن به مجموعه‌ای فرهنگی و خدماتی برای زائران و گردشگران داخلی و خارجی می‌پردازد، که این مورد نیز اقدامی محدود به شمار می‌آید که با روند توسعه‌ی گردشگری و زیر شاخه‌های آن در سطح ملی ارتباط چندانی ندارد (ببینید: قانون برنامه‌ی سوم توسعه، ماده‌ی ۱۶۴ و ۱۶۶).

برنامه‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۸۸-۱۳۸۴)

قانون برنامه‌ی چهارم توسعه، نخستین برنامه‌ی توسعه‌ی اجرایی در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور محسوب می‌شود که کار تدوین آن در دولت موسوم به اصلاحات در یازدهم آذرماه سال ۱۳۸۲ آغاز شده بود. سند چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی کشور که سند نهایی آن را رهبری انقلاب اسلامی ابلاغ فرمودند، افق توسعه‌ی همه‌جانبه‌ی ایران را در سال ۱۴۰۴ هجری شمسی ترسیم می‌کند. به ترتیب در بند ۴۳ این سند، توسعه‌ی روستایی و در بند ۴۴ توسعه‌ی

فعالیت‌های اقتصادی دارای مزیت نسبی و از جمله بخش گردشگری مورد تأکید قرار گرفته است. به طوری که در بند ۴۳ و ۴۴ سند چشم‌انداز به ترتیب چنین آمده است:

«ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل، به‌ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات».

«هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند، از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل و نقل و گردشگری، به‌ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی‌بر و زنجیره‌ی پایین‌دستی آن‌ها، با اولویت سرمایه‌گذاری در ایجاد زیربناها و زیرساخت‌های مورد نیاز، و ساماندهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاست‌های آمایش سرزمین» (متن سند نهایی چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۲).

در حقیقت تا قبل از برنامه‌ی چهارم توسعه توجه چندانی به موضوع گردشگری روستایی نشده بود اما پس از برنامه‌ی چهارم سیاست‌های دولت برای توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی مشاهده می‌شود؛ تشکیل کمیته‌های گردشگری روستایی و عشایری، تعیین حدود ۴۰۰ روستای «هدف گردشگری» و تعیین مناطق نمونه‌ی گردشگری با اولویت بر ساماندهی نوار ساحلی از جمله برنامه‌هایی است که به منظور جذب گردشگر روستایی در دستور کار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قرار گرفته است (میرزاامینی، ۱۳۹۰: ۱۰). البته در سند ۲۰ ساله‌ی چشم‌انداز نیز توجه به توسعه‌ی روستایی با رویکرد پرننگ‌تر اقتصادی و توجه به فعالیت گردشگری به‌عنوان یکی از بخش‌های دارای مزیت نسبی، بستر مناسبی برای توجه به گردشگری روستایی در برنامه‌ی چهارم فراهم آورد. در فصل اول از بخش اول قانون برنامه‌ی چهارم در بند (د) ماده‌ی ۱، گردشگری یکی از اجزای بخش خدمات معرفی می‌شود که در کنار دیگر بخش‌ها به دولت اجازه داده می‌شود از مانده موجودی حساب ذخیره‌ی ارزی برای سرمایه‌گذاری و تأمین اعتبار در این زمینه اقدام کند. مواد ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۱۰۴، ۱۱۴ قانون برنامه‌ی چهارم از جمله ماده‌هایی هستند که به توسعه‌ی گردشگری می‌پردازند. از نکات قابل توجه در ماده‌ی ۱۱۴ «تکمیل نظام جامع آماری گردشگری با نظارت و هدایت مرکز آمار ایران» است، که یکی از ضرورت‌های بنیادین یا پیش‌نیازهای اصلی توسعه‌ی بخش گردشگری به‌شمار می‌آید (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳). علی‌رغم توجه به برنامه‌های توسعه‌ی گردشگری، در برنامه‌ی چهارم نیز به موضوع توسعه‌ی گردشگری به‌طور هدفمند و جامع نگریسته نشد. زیرا گردشگری دارای بخش‌های متعدد از جمله گردشگری روستایی است که به برنامه‌های هدفمند و مجزا بر پایه‌ی تعاریف ویژه و قلمرو خاص بخش‌های مختلف گردشگری نیازمند است (قانون برنامه‌ی چهارم توسعه، مواد ۱۱۴-۲۸).

قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴-۱۳۹۰)

سیاست کلی برنامه‌ی چهارم، رشد سریع اقتصادی، رقابت‌پذیری، توسعه‌ی مبتنی بر دانایی و تعامل فعال با اقتصاد جهانی عنوان شده که این موضوع، برنامه‌ی چهارم را از برنامه‌های قبلی متمایز ساخته بود. اما وجه تمایز برنامه‌ی پنجم، پیشرفت و عدالت اجتماعی معرفی شده است. مفهوم عدالت اجتماعی که در برنامه‌ی پنجم توسعه مطرح شده است مفهومی بسیار وسیع و مهم است که برنامه‌ریزی بسیار دقیق با تکیه بر معرفی ابزارهای مناسب در جهت اهداف تعریف شده را می‌طلبد (شجری، ۱۳۹۰: ۱۵).

در مواد ۱۱، ۱۲، ۱۶۶، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۴ قانون برنامه‌ی پنجم توسعه موضوع توسعه‌ی گردشگری در زمینه‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است (مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹). در ماده‌ی ۱۱ برنامه‌ی پنجم زیر وظایف سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی آمده است: «سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی مجاز است از ایجاد مراکز حفظ آثار و فرهنگ سنتی عشایری و روستایی توسط بخش خصوصی و نهادهای عمومی غیردولتی و تعاونی با رعایت موازین اسلامی به منظور توسعه‌ی گردشگری آن مناطق حمایت مالی نماید». این نخستین باری است که در سیر تاریخ برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی ملی به موضوع توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی و عشایری به‌طور مستقیم پرداخته می‌شود. همچنین بند (د) از ماده‌ی ۱۹۳ از برنامه‌ی چهارم نیز با گردشگری در مناطق طبیعی و روستایی پیوند دارد و در آن آمده است: «با توجه به شرایط ویژه‌ی تالاب‌های کشور از منظر اقتصادی، کشاورزی، زیست‌بومی، تنوع زیستی و گردشگری و وجود مراتع و اراضی زراعی مطلوب در اطراف آن‌ها و وجود چالش‌های جدی در تخصیص منابع آب در این مناطق و به طور کلی، پیچیدگی و شکنندگی زیست‌بوم طبیعی این مناطق، دولت مکلف است در سال اول برنامه، با ساماندهی مجدد سازمان‌های موجود در بخش‌های آب، کشاورزی، منابع طبیعی، محیط زیست و گردشگری، نسبت به اعمال مدیریت یکپارچه با مشارکت بهره‌برداران در دشت‌های اطراف این تالاب‌ها اقدام نماید».

در ماده‌ی ۱۹۴ برنامه‌ی پنجم که به توسعه‌ی روستایی اختصاص دارد نیز توسعه‌ی خدمات گردشگری در نواحی روستایی مورد توجه قرار گرفته است. به طوری که بند (ب) ماده‌ی ۱۹۴: «حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه‌ی خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی - کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه‌ی بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه» را مورد توجه قرار می‌دهد.

همچنین در ماده‌ی ۲۰۴، گردشگری در نواحی مرزی به‌عنوان بخشی از توسعه‌ی این مناطق مطرح می‌گردد و چنین آمده است: «در راستای ارتقاء و تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان با رعایت ملاحظات و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی به عمل می‌آورد». با توجه به اینکه بخشی وسیعی از مناطق مرزی در قلمرو سکونتگاه‌های روستایی قرار دارد، استفاده از توان‌ها و جاذبه‌های گردشگری موجود در روستاهای مرزی می‌تواند گامی راهگشا در زمینه توسعه‌ی این گونه مناطق به‌شمار آید.

علی‌رغم توجه بیشتر به موضوع گردشگری روستایی در برنامه‌ی پنجم توسعه نسبت به برنامه‌های پیشین، اما همچنان گردشگری روستایی به‌عنوان رویکردی برای توسعه‌ی اقتصادی و متنوع‌سازی فعالیت‌های جمعیت روستایی در چارچوب برنامه‌ریزی و مدیریت توسعه‌ی پایدار نواحی روستایی کشور دیده نمی‌شود؛ در این برنامه نیز، موضوع گردشگری روستایی به‌صورت پراکنده در لابه‌لای دیگر برنامه‌های مربوط به توسعه‌ی روستایی مورد توجه قرار گرفته است.

از مهم‌ترین مشکلات در سطوح کلان اجرایی کشور حاکمیت نگرش بخشی است؛ این وضعیت که از مشکلات بنیادین فرایند کلی برنامه‌ریزی توسعه‌ی ملی و از جمله توسعه‌ی روستایی در طی دهه‌های گذشته بوده است، بر برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری روستایی نیز سلطه دارد. به‌طوری که سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در ظاهر متولی توسعه‌ی گردشگری روستایی است، اما هرگونه برنامه‌ریزی جامع توسط این سازمان نیازمند هماهنگی و همکاری دیگر بخش‌ها، وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مسئول است. به‌طور مثال، وزارت راه و شهرسازی که متولی توسعه‌ی زیرساخت‌های جاده‌ای مناسب در روستاهای هدف گردشگری مصوب است، طی گزارشی مبنی بر توافق با سازمان میراث فرهنگی در سال ۱۳۸۹، به توسعه‌ی زیرساخت‌های جاده‌ای در ۳۰ مورد از روستاهای هدف مصوب اقدام کرده است. اما در سال ۱۳۹۰ وزارت راه و شهرسازی توقف توسعه‌ی زیرساخت‌های جاده‌ای در روستاهای هدف گردشگری را به‌دلیل ضعف تعاملات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری با این وزارتخانه عنوان کرده است؛ این در حالی است که براساس تصمیمات مسئولان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در سال ۱۳۹۱ تا پایان همین سال فهرست تعداد روستاهای هدف گردشگری به ۱۱۰۰ سکونتگاه افزایش یافت (مرادزاده، ۱۳۹۲: ۱۵). وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، یکی دیگر از وزارتخانه‌هایی است که از آغاز برنامه‌ی پنجم توسعه در زمینه برنامه‌های اجرایی توسعه‌ی گردشگری روستایی فعالیت دارد؛ و تشکیل تعاونی‌های

گردشگری روستایی در روستاهای هدف گردشگری مصوب دولت را از سال ۱۳۹۰ در کانون توجه قرار داده است.^۱

نتیجه گیری

در چند دهه‌ی گذشته و به‌ویژه در دو دهه‌ی اخیر گردشگری به‌عنوان ابزاری برای کمک به توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی نواحی روستایی مورد توجه بسیاری از متخصصان توسعه‌ی روستایی و دولت‌ها قرار گرفته است. در شرایطی که بخش کشاورزی و معیشت سنتی بیشتر نواحی روستایی با رکود مواجه شده، متنوع سازی اقتصاد نواحی روستایی از طریق گسترش انواع فعالیت‌ها از جمله توسعه‌ی هدفمند و برنامه‌ریزی شده گردشگری می‌تواند با ایجاد روندهای مثبت در ابعاد مختلف زمینه بازساخت مطلوب نواحی روستایی در جهت توسعه‌ی پایدار را فراهم سازد. در ایران نیز طی سال‌های اخیر به‌ویژه در دهه‌ی ۱۳۸۰ شمسی، گردشگری روستایی از موضوع‌هایی به‌شمار می‌آید که روند روبه‌رشدی از نظر کمی و کیفی در پژوهش‌های علمی- آکادمیک متخصصان توسعه‌ی روستایی یافته است. به‌نظر می‌رسد این وضعیت بیشتر از رشد ادبیات علمی جهان در زمینه اشکال مختلف توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی تأثیر پذیرفته است؛ که خود مورد نقد برخی از منتقدان و صاحب‌نظران در زمینه توسعه‌ی روستایی است. زیرا به نظر می‌رسد حجم مطالعات انجام شده و یا در حال انجام با عینیت‌های موجود در زمینه گردشگری روستایی در نواحی روستایی ایران همخوانی چندانی ندارد، زیرا هنوز گردشگری بخش قابل توجهی در ساختار بخش اقتصاد روستایی ایران شناخته نمی‌شود. با وجود همه این بحث‌ها و انتقادات، درباره‌ی آنچه که به روشنی در این زمینه آشکار است می‌توان گفت: پیش زمینه‌های ذهنی این پدیده در حال شکل‌گیری است و قلمرو متنوع جغرافیای روستایی ایران از ظرفیت‌ها و توان‌های مناسبی در این زمینه برخوردار است. بنابراین، پذیرش و اختصاص جایگاه مناسب به موضوع گردشگری روستایی در سطوح برنامه‌ریزی‌های کلان ملی، منطقه‌ای و محلی همگام با دیگر برنامه‌های توسعه‌ی پایدار روستایی، می‌تواند به‌عنوان بخشی اثرگذار، به‌ویژه از نظر اقتصادی، پیامدهای عینی و قابل توجهی در بازساخت بهینه جغرافیای روستایی کشور به بار آورد.

بررسی جایگاه گردشگری روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی پنج‌ساله‌ی بعد از انقلاب که از سال ۱۳۶۷ آغاز گردیده و هم اکنون آغاز برنامه‌ی پنجم قرار دارد نشان می‌دهد که تا برنامه‌ی چهارم توسعه گردشگری جایگاه مشخص و قابل توجهی در روند برنامه‌های کلان توسعه‌ی ملی نداشته است. اما پس از برنامه‌ی چهارم شاهد سیاست‌های دولت در زمینه توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی هستیم؛ تشکیل کمیته‌های گردشگری روستایی و عشایری، تعیین حدود ۳۷۰

^۱ <http://www.chn.ir.mht>

روستای هدف گردشگری و تعیین مناطق نمونه گردشگری با اولویت بر ساماندهی نوار ساحلی از جمله برنامه‌هایی است که به منظور جذب گردشگر روستایی در دستور کار سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری قرار گرفته است. با این همه در برنامه‌ی چهارم نیز عنوان گردشگری روستایی جایگاه قانونی آن در فرایند برنامه به‌طور روشن بیان نشده و در چارچوب روند کلی توسعه‌ی گردشگری ملی مورد توجه بوده است. در برنامه‌ی پنجم توسعه برای نخستین بار در بندهای مختلف موضوع توسعه‌ی گردشگری روستایی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله در ماده‌ی ۱۹۴ که به توسعه‌ی روستایی می‌پردازد، در بخش‌هایی نیز موضوع توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی نیز مطرح گردیده است. همچنین بر اساس تصمیمات مسئولان سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در جریان برنامه‌ی پنجم تا پایان سال ۱۳۹۱ افزایش تعداد روستاهای هدف گردشگری به ۱۱۰۰ سکونت‌گاه مطرح گردید؛ این درحالی است که در چارچوب فرایند کلی برنامه‌ریزی توسعه‌ی پایدار روستایی هنوز چشم‌انداز روشنی از چگونگی توسعه‌ی گردشگری در روستاهای هدف ترسیم نشده است. سرانجام آنچه از محتوای برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه برمی‌آید اشارات جزئی و پراکنده به موضوع گردشگری روستایی در لابه لای متن برنامه‌ها است و همچنان نگرش جامع و مشخصی به موضوع گردشگری روستایی به‌عنوان پدیده‌ای نوظهور و قابل توجه وجود ندارد و بنابراین، توجه هر چه بیشتر برنامه‌ریزان و مدیران توسعه‌ی ملی در سطوح مختلف ملی و منطقه‌ای را در برنامه‌های آینده می‌طلبد. همچنین حاکمیت نگرش بخشی در زمینه برنامه‌های اجرایی موجود از مهم‌ترین ضعف‌های توسعه‌ی گردشگری روستایی شناخته می‌شود؛ مسأله‌ای که همواره گریبان‌گیر فرایند کلی برنامه‌ریزی توسعه در ایران بوده است. با توجه به این که توسعه‌ی گردشگری روستایی، موضوعی نوپا در قلمرو برنامه‌ریزی روستایی کشور است، رفع موانع ساختاری موجود می‌تواند اقدامی بنیادین در این زمینه به‌شمار آید. لازمی موفقیت در این زمینه نیز تحولات پایه‌ای در فرایند کلی برنامه‌های توسعه‌ی ملی است، موضوعی که به عزم راسخ مسئولان و برنامه‌ریزان در سطوح کلان مدیریت کشور نیاز دارد. در این زمینه پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

با توجه به مقیاس‌ها و سطوح برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری لازم است برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری روستایی نیز در سه سطح شامل برنامه‌های ملی (کلان)، برنامه‌های منطقه‌ای و برنامه‌های محلی مورد توجه قرار گیرد. البته هر مقیاس و سطح برنامه‌ریزی وظیفه و جایگاه خاص خود را خواهد داشت. در سطح ملی تدوین سیاست‌های کلان توسعه‌ی گردشگری روستایی با رویکرد برنامه‌ریزی راهبردی وظیفه‌ی برنامه‌ی ملی است. این سیاست‌ها می‌تواند راهنمای برنامه‌ها و طرح‌های منطقه‌ای و محلی در زمینه‌ی توسعه‌ی گردشگری روستایی باشد. در سطح منطقه‌ای در چارچوب برنامه‌های توسعه‌ی استان‌ها، برنامه‌ریزی

توسعه‌ی گردشگری با رویکرد ساختاری تهیه شود؛ با در نظر گرفتن این موضوع که برنامه‌ها و نیز طرح‌های منطقه‌ای در زمینه‌ی توسعه‌ی گردشگری روستایی بر اساس سیاست‌های کلان ملی توسعه‌ی گردشگری روستایی هدایت‌گر برنامه و طرح‌های محلی در این زمینه باشند. سرانجام با توجه به آنچه در بالا گفته شد، در سطح محلی وظیفه‌ی اصلی برنامه‌ریزی را توسعه‌ی گردشگری روستایی بر عهده خواهد داشت. طرح‌ها و برنامه‌های محلی بر اساس برنامه‌ها و سیاست‌های راهبردی و ساختاری در سطح ملی و منطقه‌ای؛ چارچوب توسعه‌ی گردشگری را در سطح محلی با رویکرد عملیاتی و اجرایی و تفصیلی مشخص خواهد کرد. مشکل اصلی که در حال حاضر وجود دارد این است که در برنامه‌ها و طرح‌های ملی و منطقه‌ای جایگاه گردشگری روستایی بسیار ضعیف و نارساست و فقدان سیاست‌های راهبردی و ساختاری در آن‌ها برای راهبری برنامه‌ها و طرح‌های توسعه‌ی گردشگری در سطح محلی کاملاً مشهود است. از طرف دیگر طرح‌ها و پروژه‌هایی که در سطح محلی برای توسعه‌ی گردشگری روستایی تهیه و اجرا می‌شوند، از وجود سیاست‌های راهبردی و ساختاری محرومند. بنابراین، ارتباط مناسب بین برنامه‌ها و طرح‌های ملی و منطقه‌ای و محلی در زمینه توسعه‌ی گردشگری روستایی- با رویکرد برنامه‌ریزی از پایین به بالا و مشارکتی ضروری است. موضوع مهم دیگر ایجاد ساختار و تشکیلات مناسب برای توسعه‌ی گردشگری روستایی در سطوح ملی- منطقه‌ای و محلی است که لازمه‌ی آن تقسیم کار و هماهنگی مناسب میان همه‌ی سطوح برنامه‌ریزی است. همچنین با توجه به ماهیت بین بخشی و چند بخشی برنامه‌ریزی توسعه‌ی گردشگری، نگرش یکپارچه و جامع در این زمینه ضروری است.

منابع

۱. آمار، تیمور و برنجکار، افسانه (۱۳۸۸). تحلیل جغرافیایی گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی شهرستان بندر انزلی بعد از انقلاب اسلامی، چشم‌انداز جغرافیایی، سال چهارم، شماره ۹: ۲۵-۷.
۲. افتخاری، عبدالرضا و قادری، اسماعیل (۱۳۸۱). نقش گردشگری روستایی در توسعه‌ی روستایی (نقد و تحلیل چهارچوب‌های نظریه‌ای، مدرس علوم انسانی، سال دوم، شماره ۶، ۴۰-۲۳).
۳. پاپ‌زن، عبدالحمید؛ قبادی، پرستو؛ زرافشانی، کیومرث و گراوندی، شهپر (۱۳۸۹). مشکلات و محدودیت‌های گردشگری روستایی با استفاده از نظریه‌ی بنیانی (مورد: روستای حریر، استان کرمانشاه، پژوهش‌های روستایی، سال اول، شماره ۳: ۵۲-۲۵).
۴. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۹۰). تشکیل اولین تعاونی‌های گردشگری روستایی، موجود در <http://www.dolat.ir>.
۵. پایگاه اطلاع‌رسانی دولت (۱۳۹۰). متن سند نهایی چشم‌انداز ۲۰ ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران، موجود در <http://www.dolat.ir>.

۶. بیات، ناصر؛ بدری، سیدعلی؛ رضوانی، محمدرضا و فرجی سبکبار، حسنعلی (۱۳۹۲). مطالعات گردشگری روستایی در ایران: آرایه‌ی تحلیلی اسنادی از مقالات انتشاریافته‌ی فارسی، **مجله‌ی برنامه‌ریزی و توسعه‌ی گردشگری**، سال دوم، شماره‌ی ۶: ۱۲۸-۱۰۹.
۷. جمعه‌پور، محمود و احمدی، شکوفه (۱۳۹۰). تأثیر گردشگری بر معیشت پایدار روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستای برغان، شهرستان ساوجبلاغ)، **پژوهش‌های روستایی**، سال دوم، شماره‌ی ۵: ۳۳-۶۲.
۸. خبرگزاری میراث فرهنگی (CHN) (۱۳۹۰). **توسعه‌ی گردشگری روستایی در برنامه‌های میراث‌فرهنگی**، موجود در <http://www.chn.ir.mht>.
۹. راسق، قزلباش سلیمان (۱۳۸۹). گردشگری روستایی و لزوم توجه به آن در برنامه‌های توسعه و آبادانی روستاها، **مسکن و محیط روستا**، سال بیست و نهم، شماره‌ی ۱۲۹: ۹۸-۱۰۹.
۱۰. رضوانی، محمدرضا (۱۳۸۲). تحلیل روند ایجاد و گسترش خانه‌های دوم در نواحی روستایی، **پژوهش‌های جغرافیایی**، سال سی و پنجم، شماره‌ی ۴۵: ۷۳-۵۹.
۱۱. رضوانی محمدرضا و صفایی، جواد (۱۳۸۴). گردشگری خانه‌های دوم و آثار آن بر نواحی روستایی: فرصت یا تهدید (مورد: نواحی روستایی شمال تهران)، **پژوهش‌های جغرافیایی**، سال سی و هفتم، شماره‌ی ۵۴: ۱۲۱-۱۰۹.
۱۲. سنایی، مهدی (۱۳۸۶). **عملکرد و نقش گردشگری در توسعه‌ی پایدار نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: دهستان مرکزی کلاردشت**، رساله‌ی دکتری دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران.
۱۳. شجری، پرستو (۱۳۹۰). برنامه‌ی پنجم توسعه‌ی بازار سرمایه، بخش نفت، مالیات‌ها، کشاورزی و مسکن، **تازه‌های اقتصاد**، سال هفتم، شماره‌ی ۱۲۶: ۲۵-۱۵.
۱۴. طالب، مهدی؛ میرزایی، حسین و بخشی‌زاده، حسن (۱۳۸۹). برنامه‌ریزی تعاملی گردشگری روستایی با رهیافت ارزیابی مشارکتی روستایی مورد مطالعه روستای وکیل‌آباد «سردابه»، **پژوهش‌های جغرافیای انسانی**، سال چهل و دوم، شماره‌ی ۷۱: ۳۴-۱۹.
۱۵. علیقلی‌زاده فیروزجایی، ناصر (۱۳۸۶). **آثار گردشگری بر ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیطی نواحی روستایی (مطالعه‌ی موردی: نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان نوشهر)**، رساله‌ی دکتری دانشکده‌ی جغرافیا، دانشگاه تهران.
۱۶. غنیان، منصور؛ خانی، فضیله و بقایی، لیلا (۱۳۹۰). ارزیابی فضای کارآفرینی در گردشگری روستایی (مطالعه‌ی موردی: منطقه‌ی اورامان)، **پژوهش‌های روستایی**، سال دوم، شماره‌ی ۷: ۱۲۳-۹۹.
۱۷. فرجی سبکبار، حسنعلی؛ مطیعی لنگرودی، سیدحسن؛ یداللهی فارسی، جهانگیر و کریم‌زاده، حسین (۱۳۹۱). رتبه‌بندی زمینه‌های توسعه‌ی گردشگری در نواحی روستایی با استفاده از تاپسیس خاکستری (مطالعه‌ی موردی: نواحی روستایی شهرستان ورزقان)، **پژوهش‌های روستایی**، سال سوم، شماره‌ی ۱: ۲۶-۱.
۱۸. قدیری معصوم، مجتبی و نجفی کانی، علی اکبر (۱۳۸۲). برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب اسلامی ایران و تأثیر آن‌ها بر نواحی روستایی، **پژوهش‌های جغرافیایی**، شماره‌ی ۴۴: ۱۲۱-۱۱۱.
۱۹. کریم‌زاده، حسین (۱۳۸۹). **مدل سازی فضایی فرصت‌های کارآفرینی با تأکید بر بخش گردشگری در نواحی روستایی مطالعه‌ی موردی: نواحی روستایی شهرستان ورزقان**، رساله‌ی دکتری دانشگاه تهران.
۲۰. مافی، عزت‌اله و سقایی، مهدی (۱۳۸۸). تحلیلی بر گردشگری روستایی در پیرامون کلان شهرها (مطالعه‌ی موردی: کلان شهر مشهد)، **جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای**، شماره‌ی ۱۰: ۴۰-۲۱.

۲۱. مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۸). قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی اول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۲. مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۳). قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی دوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۳. مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۸). قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۴. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۳). قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی چهارم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۵. مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۹). قانون برنامه‌ی پنج‌ساله‌ی پنجم توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۲۶. مرادزاده، فاطمه (۱۳۹۲). روستاهای هدف گردشگری، جام جم، شماره‌ی ۳۶۶، (۹۲/۱/۱۹)، ۱۵.
۲۷. مهاجرانی، مصطفی (۱۳۷۷). سیری در تحولات برنامه‌ریزی در ایران (۱۳۰۶-۱۳۷۳) و توصیه‌هایی برای برنامه‌ی دوم، مجموعه مباحث و مقالات اولین همایش تدوین برنامه‌ی سوم توسعه‌ی کشور، جلد ششم.
۲۸. مهدوی حاجیلویی، مسعود؛ قدیری معصوم، مجتبی و قهرمانی، نسرین (۱۳۸۷). آثار گردشگری بر توسعه‌ی روستایی با نظرسنجی از روستاییان دره‌ی کن و سولقان، روستا و توسعه، سال یازدهم، شماره‌ی ۲: ۳۹-۶۰.
۲۹. میرزائینی، محمدرضا (۱۳۸۸). گردشگری روستایی و توسعه، نشریه‌ی شهر و روستا، چهارشنبه، ۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۸.
30. Beeton, S. (2006). **Community Development through Tourism**, Landlinks Press.
31. Bruce, A. W., Greg, J. D. and Leslie, A. W. (2002). **Rural Dimensions of Welfare Reform**, W.E. Upjohn Institute.
32. Canoves, G., Villarino, M., Priestley, G. K. and Blanco, A. (2004). Rural tourism in Spain: an analysis of recent evolution, **Geoforum**, 35: 755-769.
33. Europe Union (2006). **Rural Development policy 2007- 2013; And Rural Development Programme for England and LEADER Programme**, available in <http://ec.europa.eu>.
34. Gartner, W. C. (2006). Planning and Management of Lake Destination Development: Lake Gateways in Minnesota, In: Colin Michael Hall and Tuija Härkönen, **Rural Tourism and Sustainable Business**, Channel View Publications.
35. Hall, C. M. and Page, S. J. (2002). **The geography of tourism and recreation: environment, place and space**, Third edition, Routledge.
36. Hara, T. (2008). **Quantitative Tourism Industry Analysis: Introduction to Input-Output, Social Accounting Matrix Modeling and Tourism Satellite Accounts**, Routledge.
37. Harms, E. (2010). Sustainable Tourism: From Nice to Have to Need to Have. In: Roland Conrady, **Trends and Issues in Global Tourism**, Part 3, Springer: 111-116.
38. Horner, S. and Swarbrooke, J. (2012). **International Cases in Tourism Management**, Routledge.
39. Koster, R. L., Harvey, L. and Agnew, K. (2010). Frolicking in the Fringe: An Assessment of the State of Exurban Tourism in Canada. In: Kenneth B. Beesley, **The Rural-Urban Fringe in Canada: Conflict and Controversy**, Rural Development Institute, Political Science.

40. Lane, B. (1994). What is rural tourism, **Journal of Sustainable Tourism**, 2: 7-21.
41. Lane, B. (2009). **Rural tourism: An overview**, In: Tazim Jamal, Mike Robinson, The Sage Handbook of Tourism Studies, SAGE Publications Ltd.
42. Nylander, M. and Hall, D. (2005). Rural Tourism Policy: European Perspectives; In: Derek Hall, Irene Kirkpatrick, and Morag Mitchell, **Rural Tourism and Sustainable Business**, Channel View Publications.
43. OECD (1994). **Tourism policy and international tourism in OECD countries**, OECD Publication.
44. Oppermann, M. (1996). Rural tourism in southern Germany, **Annals of Tourism Research**, 23 (1): 86-102.
45. Page, S. J. and Connell, J. (2009). **Tourism: A Modern Synthesis**, London, Cengage Learning.
46. Rhonda, L., Koster, R. and Harvey Lemelin Agnew, K. (2010). Frolicking in the Fringe: An Assessment of the State of Exurban Tourism in Canada, In: Kenneth B. Beesley, **The Rural-Urban Fringe in Canada: Conflict and Controversy**, Rural Development Institute, Political Science .
47. Roberts, L. and Hall, D. (2001). **Rural Tourism and Recreation: Principles to Practice**, CABI.
48. Sharpley, R. (2007). Flagship Attractions and Sustainable Rural Tourism Development: The Case of the Alnwick Garden, England, **Journal of Sustainable Tourism**, 15:2, 125-143.
49. Sidali, K. L., Spiller, A. and Schulze, B. (2011). **Food, Agri-Culture and Tourism: Linking Local Gastronomy and Rural Tourism: Interdisciplinary Perspectives**.
50. Su, B. (2011). Rural Tourism in China, **Tourism Management**, 32 (6): 1438-1441.
51. Timothy, D. J. (2005). Rural Tourism Business: A North American Overview. In: Derek Hall, Irene Kirkpatrick, and Morag Mitchell, **Rural Tourism and Sustainable Business**, Channel View Publications.
52. Williams, S. (2009). **Tourism Geography: A New Synthesis**, Taylor & Francis.